

آشوب و درگیری فرانسه ادامه دارد

رضایت راست افراطی از فروپاشی پاریس



ربع قرن نادیده گرفتن قوانین و نظم اساسی توسط دولت‌های شکست‌خورده است، وجود دارد. ویدیوی وایرال شده از نائل المرزوقی ۱۷ ساله که نشان می‌دهد پلیس او را در خیابانی متوقف کرده و نهایتاً از فاصله نزدیک و مستقیم به قفسه سینه او شلیک می‌کند، اکثریت فرانسه را در شوک فرو برده است، نه فقط ساکنان محله‌های قومیتی حومه‌نشین این کشور.
را مانند همان جایی که او در آنجا زندگی کرد و زندگی‌اش گرفته شد.

راهپیمایی ۶۰۰ نفری که روز بعد به آن به راه افتاده و خواستار برقراری «عدالت» شد، کلاما مشروع تلقی می‌شد تا اینکه به شکل فاجعه‌باری به شیوه همیشگی تشدید شد. شورش، اتهامات آتش‌افروزانه (نژادپرستی دولتی واینکه «آنها» می‌خواهند «ما» را بکشند) و سپس به معنای واقعی کلمه آتش‌افروزی شامل برافروختن آتش، خرابکاری‌های بی‌معنی و تخریب از ایستگاه‌های اتوبوس تا فروشگاه‌ها، مهدکودک‌ها و خانه‌های سالمانی آرازن به راه افتاد. همچنین اموال خصوصی و عمومی در هیچ جا در امان نماند. درهم و برهم؛ از سرقت یک بسته شش‌تایی شیر نیمه چرب گرفته تا ساعت، جواهرات، کفش نایک و کالسکه بچه. وقتی طغیان‌ها به راه افتاد، من در گفتوگوهای تکوینل بودم، کنفرانسی درباره درگیری اوکراین و روسیه. در آنجا کشورهای شرق اروپا - لهستانی‌ها، اوکراینی‌ها، روس‌ها

گروه بین‌الملل: بامداد دیروز هم فرانسه صحنه تعقیب و گریز معترضان با نیروهای پلیس بود. ماکرون در حال از دست دادن کنترل فرانسه است. هزاران تن دستگیر شده‌اند. مدارس، مراکز اجتماعی، سالن‌های شهر، مجتمع‌های ورزشی، دفاتر پست به آتش کشیده شده‌اند. غارت‌ها از سوپرمارکت‌های لیدل گرفته تا فروشگاه‌های اِپل روبرت می‌شوند. زاندارها و تیروه‌های ویژه، علاوه بر نیروی انتظامی مستاصل، برای گشت‌زنی شبانه به خیابان‌ها آمده‌اند. در این هیاهو، خشم مغازه‌دارانی که فریاد می‌زنند منع آمد و شد ایجاد کنید وگرنه خودمان امور را به دست می‌گیریم، رو به افزایش است.

روزنامه فرانسوی «لو فیگارو»، تازه‌ترین آمار وزارت کشور فرانسه تعداد بازداشت‌ها را ۷۱۹ مورد اعلام کرد. این در حالی است که ژرال دارمنن وزیر کشور با اشاره به بسج ۴۵ هزار پلیس و نیروی انتظامی برای کنترل نارامی‌ها در پنجمین شب متوالی، دیشب در تونیتی نوشت: به لطف اقدام قاطعانه پلیس، شب آرام‌تری بود. روزنامه دیلی‌تلگراف هم با اشاره به هرج و مرجی که پس از کشته شدن یک نوجوان آفریقایی‌تبار در فرانسه به ضرب گلوله نیروهای امنیتی به وجود آمده، در مطلبی آورده است که پس از پنج روز شورش در سراسر فرانسه، این احساس فزاینده مبنی بر اینکه وضعیت کنونی عمده‌تا نتیجه تقریباً یک

ارزیابی سیا از شورش واگنر

رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در آکسفوردشایر و در جریان سخنرانی در بنیاد دچلی (Ditchley) انگلیس ادعا کرد که شورش مسلحانه رئیس گروه واگنر چالشی علیه حکومت روسیه بود که تأثیر فرساینده جنگ این کشور علیه اوکراین را نشان داد.

خبرگزاری رویترز به نقل از سخنرانی ویلیام برنز نوشت: شایان توجه است که یوکنی پریرگوزین پیش از آغاز اقدامش، ادعاینامه ای کوبنده علیه منطق کذب کرملین در حمله به اوکراین و نحوه پیشبرد جنگ تحت هدایت روسیه بیان کرد. تأثیر این سخنان و آن اقدام‌ها تا مدتی باقی خواهد ماند و آشکارا یادآور تأثیر فزاینده جنگ یوتین بر جامعه و حکومتش خواهد بود. برنز مدعی شد که در چند ساله اوکراین شکست راهبردی روسیه و نمایانگر ضعف‌های ارتش این کشور بود و آسیب آن به اقتصاد روسیه تا سالها ادامه خواهد داشت، در صورتیکه اتحاد نظامی ناتو بزرگتر و قویتر شده است.

برنز گفت که با اشتباهات یوتین، روسیه در آینده شریک جزء و مستعمره اقتصادی چین خواهد شد.
روسیه، ناراضیاتی روس‌ها از جنگ فرصت کم نظیری برای جذب جاسوس در سیا فراهم کرده و این سازمان آن را غنیمت خواهد شمرد.

اسرائیل به دنبال سومین اسکادران جنگنده F۳۵

یک رسانه صهیونیست از قصد رژیم صهیونیستی برای خرید سومین اسکادران اف-۳۵ رادارگریز خیر داد که با خرید این اسکادران، تعداد جنگنده‌های F۳۵ این رژیم به ۷۵ عدد می‌رسد.
به گزارش پایگاه خبری «بیزرائیل نشنال نیوز»، «یوآف گالات» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی پیشنهاد هرزی‌هاولی فرمانده ستاد مشترک ارتش و دیگر فرماندهان این رژیم برای خرید سومین اسکادران اف-۳۵ را تأیید کرده است.
براساس این گزارش، وزارت جنگ رژیم صهیونیستی قرار است ۲۵ جنگنده F۳۵ از دولت آمریکا خریداری کند که به این ترتیب تعداد جنگنده‌های رادارگریز این رژیم به ۷۵ عدد

مهاجر، همراه با بریتانیایی‌ها، فرانسوی‌ها، آمریکایی‌ها و اسپانیایی‌ها- با ناباوری فزاینده‌ای شاهد چنین ویرانی‌های بی‌رویه در کشوری بودند که مثلاً در صلح به سر می‌برد.

یک مورخ و ژنواستراتژیست مشهور لهستانی که در آن جلسه حاضر بود، گفت: آنها قرارداد اجتماعی را که برای دموکراسی ضروری است، از بین می‌برند. در جلسه، ما در مورد هزینه بازسازی اوکراین پس از جنگ برای اروپا بحث می‌کردیم. فرانسوی‌ها در این گرماگرم نگران هزینه بازسازی بخش‌هایی از ماریس، لاتس، بوردو و پاریس بودند.

حدود یک ربع قرن است که تباهی و تخریب هیچ‌نگاری و نیهیلیستی در فرانسه تحمل شده است. این وضعیت در حدود هزاره و تحت ریاست جمهوری ژاک شیراک آغاز شد. اما بخش یابانی اعتراضات و راهپیمایی‌ها که یک سنت قدیمی فرانسوی است، به شکلی فزاینده‌ای با حضور اخلاگران و غارتگران مختل شد و این افراد ویرترین فروشگاه‌ها را شکسته و هر آنچه نتوانستند به سرعت بپزند، در هم کوبیدند.

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

احداث پناهگاه‌های هسته‌ای در ژاپن

در گرماگرم نگرانی‌های فزاینده امنیتی پیرامون تهدید هسته‌ای روسیه علیه اوکراین و جاططی‌های موشکی کره شمالی، یک سازمان غیرانتفاعی در ژاپن یک پناهگاه هسته‌ای در حومه توکیو احداث کرد تا با بالابردن میزان آگاهی مردم، آنها را برای ساخت پناهگاه در شرایط اضطراری آماده کند.
به گزارش کبودو، اگر چه این پناهگاه هنوز برای بازدید عموم آزاد نیست، یک سازه بتنی زیرزمینی است که در پارکینگی روبروی دفتر انجمن پناهگاه هسته‌ای ژاپن در تسوکوبا، استان ایباراکی افتتاح شده است. تا کنون شماری از متخصصان ساخت و ساز، سیاستمداران ملی و محلی، سازمان‌های دولتی و رسانه‌ها این مکان بازدید کرده‌اند. بر اساس این گزارش، این انجمن قصد دارد پناهگاه‌هایی را در ژاپن مطابق با استانداردهای تعیین‌شده، احداث کند.
بنابر اعلام مقامات این مرکز، میزان علاقه به فعالیت‌های این شرکت در سال گذشته رو به افزایش گذاشته است و شمار اعضای آن از دو شرکت به حدود ۳۰ شرکت در بازه زمانی یکساله افزایش یافته است. در حال حاضر پیرامون احداث پناهگاه‌ها در ژاپن افزایش یافته است زیرا، روسیه به اوکراین نگرانی‌ها در مورد وقوع جنگ هسته ای را افزایش داده است.
بر اساس این گزارش، اختلافات میان چین و تایوان نیز در افزایش نگرانی مردم ژاپن بی تأثیر نیست.

راست افراطی است. در تحلیل «کیث مگی» استناد دانشگاه نیوکاسل آمده است که اگر فاجعه قتل نائل المرزوق به دست مامور راهنمایی و رانندگی، در انگلیس یا آمریکا رخ می‌داد، رسانه‌ها در تیرهای خود به قومیت قربانی می‌پرداختند. اما به دلیل آنکه این جوان ۱۷ ساله در فرانسه کشته شد، یکی از عوامل دخیل یعنی رنگ پوست وی در سیل اولیه گزارش‌ها و تفسیرهای خبری تقریباً به طور کامل نادیده گرفته شد.در فرانسه، با وجود اعتراض‌های ضد نژادپرستی سال ۲۰۲۰، موضوع نژاد تا حد زیادی تابو باقی مانده است. بحث‌های روزمره نژادی آمریکا حداقل در گفتمان رسمی فرانسه به ندرت مطرح می‌شود. حکومت فرانسه مدت‌هاست که ادعا می‌کند که کسور رنگ بوده و با تبعیض نژادی میانه‌ای ندارد.
ماده ۱ قانون اساسی آن «برابری همه شهروندان در برابر قانون، فارغ از زادگاه، نژاد، مذهب» و تضمین می‌کند. به عبارت دیگر، تفاوت‌های فردی یک موضوع کاملاً خصوصی است.

این صاحبنظر حوزه عدالت اجتماعی افزود: پاریس مدعی است که فقط شهروندان را که همگی دارای ارزش‌های مشترک جمهوری هستند، در نظر می‌گیرد. قانون ۱۹۷۸ از این هم فراتر رفته و جمع آوری با پرزادش داده‌های شخصی که «منشاء نژادی یا قومیتی، عقاید سیاسی، فلسفی یا مذهبی» را آشکار می‌کند، ممنوع کرده است. این بدان معناست که نژادپرستی نهادینه در جامعه فرانسه نامرئی می‌شود. این مطلب می‌افزاید: جمعیت قابل توجهی از مهاجران در فرانسه از آفریقا، دریای کارائیب و آسیا به این کشور آمده و فرزندان آن‌ها برای دهه‌ها شکایت از آن دارند که همه امور زندگیشان تحت تأثیر تبعیض قرار گرفته است. اما وقتی هیچ اطلاعاتی در مورد اینکه چه تعداد از رنگین پوستان توسط سیستم آموزشی کنار گذاشته شده‌اند، چه تعداد بیکارند، چه تعداد فقیرند، چه تعداد محروم از مسکن و مراقبت‌های بهداشتی مناسبند و چه تعداد قربانی تبعیض نژادی پلیس هستند، جمع آوری نمی‌شود، به راحتی می‌توان وجود چنین تبعیضی را انکار کرد.
به نوشته این مقاله نویس انگلیسی، در نتیجه و درحالی که نژادپرستی در جامعه فرانسه گهگاه به رسمیت شناخته می‌شود، گزارش سال ۲۰۲۲ کمسیون حقوق بشر فرانسه تخمین زد که ۱.۲ میلیون نفر در سال احتمالاً «قربانی حداقل یک حمله نژادپرستانه، یهودی ستیزانه یا بیگانه هراسانه» به راه افتاد و اعتراضات موسوم به «زندگی معمولاً کردن افراد خاصی و هنجارشکن افتاده از همین رو، او دو دل بود و پیش از اعزام ژاندارم‌ها سه روز تمام صبر کرد و در نهایت منع آمد و شد اعلام کرده و ارتش به خیابان‌ها آمد. در همین حال به نظر نمی‌رسد که اوضاع چندان آرام شده باشد؛ رئیس‌جمهوری فرانسه مجبور شد تا سفر رسمی خودش به آلمان را لغو کند. کنترل اوضاع هم به سرعت از دستان او خارج می‌شود.»

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه

هم از سنساریویی که بعد از مرگ جورج فلوید به راه افتاد و اعتراضات موسوم به «زندگی معمولاً کردن افراد خاصی و هنجارشکن افتاده از همین رو، او دو دل بود و پیش از اعزام ژاندارم‌ها سه روز تمام صبر کرد و در نهایت منع آمد و شد اعلام کرده و ارتش به خیابان‌ها آمد. در همین حال به نظر نمی‌رسد که اوضاع چندان آرام شده باشد؛ رئیس‌جمهوری فرانسه مجبور شد تا سفر رسمی خودش به آلمان را لغو کند. کنترل اوضاع هم به سرعت از دستان او خارج می‌شود.»

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستماتیک چندان با آنها درگیر نشد، تا اینکه نهایتاً وارد عمل شده و شدیداً واکنش نشان دادند و همین چرخه جدیدی از وحشیگری و سرکوب را آغاز کرد. چنانچه این امور پلیسی بد به نظر می‌رسد،

پلیس هم در ابتدا از ترس مواجهه با اتهامات

خشونت و وحشیگری سیستم